

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

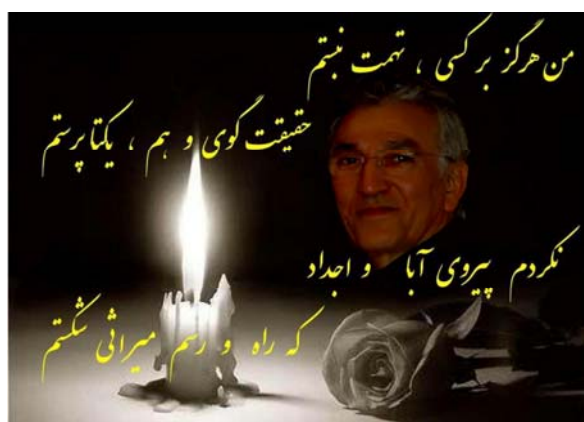
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۴ سپتمبر ۲۰۱۸



به پاسخ محترم حداد صاحب گرامی که وسیله تک بیت ذیل

{{دزد دل دوری نمود از برگه ات ورنه کی می راندی اش از برگه ات}}

نقدی به شعر سریالی (دزد دل) نوشته اند، تقدیم شان باد

فرهاد باش

حضرتِ حداد! رَو حداد باش...
خامه ما را به جولان می نیار
ماجرای جوئی، نه با ما عاجزان
شب نمی باش و به برگ گل نشین
دزد دل، از دزد جان ما را لقب
زخم دل را از چه می پاشی نمک
گشته ای مجنونِ این و آن چرا؟
بگذر از گفتارِ مُفت و حرفِ مُفت
دُور از این ماجرا و شاد باش
قدری با انصافک و با داد باش
بر خرابی های دل، آباد باش
می نه سیلاب و تگرگ و باد باش
می نه حسَد و ولی سَدَد باش
گه گهی ضِماد و گه پُماد باش
رَو، به شیرینِ خودت، فرهاد باش
بهر "نعمت" بعد از این سرواد باش

فرهاد باش

حضرتِ حداد! رَو حداد باش
دور از این ماجرا و، شاد باش
خامهء ما را به جولان می نیار
قدری با انصافک و، باداد باش
ماجرای جویی، نه با ما عاجزان
بر خرابی های دل، آباد باش
شبنمی باش و، به برگ گل نشین
می نه سیلاب و گنگرک و باد باش
دزد دل، از **دزد جان** ما را لقب
می نه حداد و ولی، سداد باش
زخم دل را از چه می پاشی نمک
که گهی ضداد و، که پُستاد باش
کشته ای مجنون این و آن چرا؟
رَو، به شیرین خودت، فرهاد باش
بگذر از گفتارِ مُفت و حرفِ مُفت
بهر «نعمت» بعد ازین سرواد باش